

«کفش»
نی نی کوچولو
کفشای سوت سوتی داره

یه توپ ماهوتی داره
بازی فوتبال می کنه،

شوت می زنه
کفشاش براش سوت می زنه.

«مهری ماهوتی»

نی نی کوچولو کفشای سوت سوتی داره!

○ هادی خورشاهیان



○ عنوان کتاب: یک شاخه زیتون برای کودکان:

- ۱- یک دانه گردو
 - ۲- گل آمد بهار آمد
 - ۳- شب آمده ستاره
- گردآورنده: بابک نیک طلب
 - تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی
 - نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
 - ناشر: زیتون
 - شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه (هر جلد)
 - تعداد صفحات: ۱۲ صفحه (هر جلد)
 - بها: ۲۵۰ تومان (هر جلد)

با دوباره خوانی «کفش» سروده «مهری ماهوتی» به دنیای کودکان «یک شاخه زیتون» با می گذاریم. «یک شاخه زیتون برای کودکان» عنوانی کلی برای مجموعه‌ای با نام‌های «گل آمد بهار آمد»، «شب آمد و ستاره» و «یک دانه گردو» است که شعرهای آن توسط «بابک نیک طلب» انتخاب شده و تصویرگری آن به عهده «نیلوفر میرمحمدی» بوده است. این مجموعه شامل بیست و نه شعر از شاعران نام‌آشنای کودک و نوجوان «جواد محقق»، «محمود کیانوش»، «افشین علاء»، «ناصر کشاورز»، «رودابه حمزه‌ای»، «علی اصغر نصرتی»، «مهری ماهوتی»، «افسانه شعبان نژاد»، «اسدالله شعبانی»، «جعفر ابراهیمی (شاهد)»، «محمد عزیزی (نسیم)»، «محمود پوروهاب»، «شکوه قاسم نیا» و شاعر بزرگ «تیما یوشیج» است که شاید همین نام باعث می‌شود این سؤال ذهن را بیازارد که به صرف سرودن و نوشتن یکی دو اثر برای گروهی خاص و یا در حیطه‌ای خاص، می‌توان سراینده و یا نویسنده آن اثر را در آن جرگه به حساب آورد. اگرچه با طرح این سؤال نمی‌توان مانعی برای ارابه و استفاده از همان اثر محدودسراینده و نویسنده به وجود آورد، اما درست‌تر این است برای معرفی و شناساندن به سراغ کسانی رفت که اتفاقی نیستند و به عنوان دغدغه‌ای جدی به ژانر موردنظر پرداخته‌اند. در کنار نام‌هایی که آمد و از برخی بیش از یک شعر نیز در این سری به چاپ رسیده است، جای نام‌های بسیار دیگری خالی است که بی‌شک با وجود این که بسیاری از آنها صاحب مجموعه نیستند، حرف‌های گفتنی در حیطه شعر کودک و نوجوان فراوان دارند که شاید قرار بر این است که این سری ادامه داشته باشد و در مجلدات دیگر این مجموعه‌ها، با نام‌های آشنا و غیرآشنا و شعرهای خوب آنها روبه‌رو باشیم. اما در حد همین نام‌ها و شعرها، مختصر اشاره‌ای داشته باشیم به تنوع قالب‌ها که این خود بحث قابل توجهی است که در این مختصر می‌توان به این اشاره داشت که معمولاً برای گروه‌های سنی «الف»، «ب» و «ج» - که شعرهای این مجموعه برای این گروه‌های سنی گردآوری شده است - بیش‌تر شاعران در قالب چهارپاره می‌سرایند. هم در بین شعرهای یک شاعر و هم در بین مجموعه شعرهای شاعران مختلف تنوع قالب کمتر به چشم می‌آید، اما از ویژگی‌های ارزنده این مجموعه، تنوع قالب است. شعرهایی در قالب‌های «چهارپاره»، «مثنوی»، «تیمایی» که البته در همین مجموعه نیز «چهارپاره»‌ها، سهم بیش‌تری را به خود اختصاص داده. در این مبحث، پیش‌تر از آن که به سراغ محتوا و معنای شعرهای این مجموعه برویم اشاره مختصری داشته باشیم به ضعف تألیف برخی از شعرها، مثلاً شعر «توپ آسمون» سروده «رودابه حمزه‌ای»:

آب بازی کردم تا صبح فردا
هر دو تا با هم بی سر و صدا

که اگر طبق معمول نثر کتاب، «کردم» ایراد چایی نباشد، با مصراع «هر دو تا با هم» همخوانی ندارد. در این بند از شعر «خواب» سروده «علی اصغر نصرتی» نیز مشکل کوچکی وجود دارد:

در خوابم پایا بود
مامانم با ما بود

که احتمالاً درست‌تر آن باید «مامان هم» باشد. اگرچه در محاوره و زبان کودکان، می‌توان «مامان هم» را «مامانم» تلفظ کرد. البته شاید مراد شاعر «مامان من» بوده است که در هر دو صورت بهتر به نظر می‌رسد با توجه به این که از لحاظ موسیقی و وزن نیز مشکلی به وجود نمی‌آید، از «مامان هم» استفاده شود، یا مثلاً در بند دیگری از همین شعر آمده است:

بابا تا من را دید
مثل گل هی خندید

که باز بهتر به نظر می‌رسد علی‌رغم این که وزن عوض می‌شود، اما چون به موسیقی لطمه‌ای وارد نمی‌شود از «مرا» به جای «من را» استفاده شود که طبیعی‌تر و

درست‌تر به نظر می‌رسد. یا در شعر «محمود آقا» سروده «اسلانه شعبانی» باتوجه به زبان کودکانه شعر، بهتر به نظر می‌رسد به جای «چه» در مصراع «زنگ چه بود؟ هندسه» از «چی» استفاده شود که روان‌تر و مأنوس‌تر است. یا در این بند شعر «گنج من» سروده «ناصر کشاورز»:

هر دانه‌اش را شسته‌ام با آب و صابون تمیز
از دانه‌ی تسیح هست تا دکمه‌های گرد و ریز

که باتوجه به عدم علامت‌گذاری در خواندن مصراع «با آب و صابون تمیز» دچار مشکل می‌شویم. از نظر معنا بعد از «صابون» باید ویرگول قرار بگیرد که شعر دچار دست‌انداز می‌شود و اگر به «صابون» کسره بدهیم شعر از نظر معنا دچار مشکل می‌شود. امیدواریم در این مختصر ملائقطی برخورد نشده باشد که می‌شود این ایرادهای کوچک را حتی در صورتی که در ایراد بودن آن‌ها شکی نباشد، ندیده گرفت که در مجموعه‌ای با این تعداد شعر و شاعر، تعداد انگشت‌شماری ضعف تألیف قابل چشم‌پوشی و اغماض است. اما در کنار این ضعف‌ها مجموعه از نظر صورت، جدا از بحث معنا که به آن خواهیم پرداخت، دارای برجستگی‌های فراوان است به عنوان مثال می‌توان به تصاویر زیبای شعرها اشاره کرد که بازهم به عنوان مثال می‌توان این بند شعر «درخت توت» سروده «ناصر کشاورز» را بارها خواند و از تعبیر «باریدن» لذت برد:

ای درخت خوب توت مهربان نازنین
باز هم باریده است توت‌هایت بر زمین
تا آن چه پشت واژه‌هاست

زنگوله‌ها

زنگوله‌ها، کنار جو راه می‌ره
زیردرخت‌های هلو راه می‌ره

جست می‌زند روی دو پا
می‌زنه زیر شاخه‌ها

از رو درخت، چند تا هلو
گیر می‌کنه به شاخ او

باغ هلو که ساکنه همیشه
پر از صدای حرف و خنده می‌شه

زنگوله‌ها، باغ را به هم می‌زنه
شده درختی که قدم می‌زنه

«افسانه شعبان‌نژاد»

کشف شاعرانه

«زنگوله‌ها» سروده «افسانه شعبان‌نژاد»، یکی از بهترین شعرهای این مجموعه است که به نحوی مطلوب از کشف شاعرانه به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر شعر خوب، برخوردار است. شعرهای کودک و نوجوان متأسفانه بیش‌تر به توصیف‌های ساده و بیش‌تر هم درباره طبیعت محدود می‌شود. شاعران این‌گونه شعرها، مخاطب خود و یا در واقع خود را دست‌کم می‌گیرند. این‌گونه شعرها برای راه‌یابی به دنیای کودکان، تنها از عنصر سادگی سود می‌جویند و به دنیای تصاویر و توصیف پناه می‌برند. بی‌آن که حرفی برای گفتن داشته باشند و یا نشان خلاقیت شاعر باشند. شعر «سبز» سروده «جعفر ابراهیمی (شاهد)» مثالی از همین‌گونه شعرهاست که متأسفانه تصویر روشن این مجموعه را کدر می‌کند. ابتدا این شعر را مرور می‌کنیم:

سبز

من رنگ سبزم

برگ درختم

گاهی لباسم

بر بند رختم

من سبز هستم

رنگ بهارم

هم پیش گل‌ها

هم پیش خارم



من رنگ گوجه
رنگ خیارم
من رنگ برگم
رنگ بهارم
«جعفر ابراهیمی (شاهد)»

همان طور که مشاهده می‌شود در این شعر جز مقارنی کلمه، وزن و قافیه که در نهایت به تعدادی مصراع توصیفی تبدیل شده‌است، عنصر قابل توجهی به چشم نمی‌خورد. این شعر نه حرفی برای گفتن دارد، نه از کشف شاعرانه بهره‌ای برده است و نه تصاویر زیبایی پیش روی خواننده یا شنونده قرار می‌دهد. البته خوشبختانه شعرهایی از این دست در این مجموعه بسیار کم هستند که به عنوان مثالی دیگر می‌توان به «خواب» سروده «علی اصغر نصرتی» اشاره کرد. اما همین تعداد هم برای مجموعه‌ای که قرار است در دنیای تصاویر و اندیشه‌های قشنگ کودکان قدم بزند زیاد به نظر می‌رسد. اما دوباره به بحث کشف شاعرانه و شعرهای بسیار زیبای «زنگوله پا» سروده «افسانه شعبان‌نژاد» و «کفش» سروده «مهری ماهوتی» که بهترین نمونه‌های رسیدن به کشفی شاعرانه و ایجاد ارتباطی لطیف با جهان کودکان در پس واژه‌ها و تصاویر بسیار زیبا هستند بازگردیم. این دو شعر اگرچه حاوی پیام یا اندیشه خاصی نیستند اما در حیطه ایجاد تصاویر و تازگی، در حد خود قابل توجه بسیارند. «کفش» با کلماتی بسیار محدود اما با توجه به روان‌شناسی کودکان، با آوردن کلمه «نی» که فراوان دیده‌ایم توسط کودکان حتی سه و چهار ساله درباره کودکان کوچک‌تر استفاده می‌شود، وارد دنیای کودکان می‌شود. شعر درباره توپ بازی یک کودک است که در این شعر به فوتبال بازی تعبیر شده است. استفاده از کشف سوت‌سوتی به همراه ایجاد ارتباط بین سوت کفش سوت‌سوتی و سوت داور بازی فوتبال، از دیگر ویژگی‌های قابل توجه این شعر است. استفاده مناسب از قافیه نیز در این شعر کوتاه نیامی، نشان‌گر توانایی شاعر است. شاعر در شعری شش مصراع، چهار بار از قافیه استفاده کرده است اما قافیه‌ها کاملاً به جا مورد استفاده قرار گرفته‌اند و به هیچ عنوان مزاحم نیستند. کلمات هم در شکل صمیمانه خود ظاهر شده‌اند. «کفشاش» به جای «کفش‌هایش» و «کفشای» به جای «کفش‌های»، به علاوه تعبیر «نی» کوچولو» و در کل ساختار شعر، کلیه کلمات در ساختار مناسب خود قرار گرفته‌اند. دیگر بار به مرور این شعر می‌نشینیم.

کفش
نی‌نی کوچولو
کفشای سوت سوتی داره
یه توپ ماهوتی داره
بازی فوتبال می‌کنه،
شوت می‌زنه
کفشاش براش سوت می‌زنه.

«مهری ماهوتی»

حال دوباره به سراغ شعر «زنگوله پا» سروده «افسانه شعبان‌نژاد» می‌رویم. این شعر در قالب مثنوی و در پنج بیت سروده شده است. عناصر طبیعت و حیوانات به عنوان دو عنصر پرکاربرد شعر کودک و نوجوان، هر دو در این شعر در کنار هم آمده است. کشف شاعرانه این شعر که در این مجموعه بی‌نظیر است، در بیت آخر اتفاق افتاده است. اما در واقع از مصراع اول، شاعر شعر را به سمت چنین کشفی رهنمون شده است. زنگوله‌پا پس از قدم زدن کنار جو و زیر درختان هلو و جست و خیز در زیر درخت، چند هلو به روی شاخ‌های خود به همراه می‌آورد که در ارتباط بین شاخ و شاخه، در نهایت در پایان شعر زنگوله‌پا به درختی که قدم می‌زند تشبیه می‌شود. در این شعر اگرچه از عنصر انسان به عنوان یکی دیگر از عناصر مرسوم شعر کودک و نوجوان به صورت شفاف خبری نیست، اما در بیت چهارم، پس از این که چند هلو به شاخ‌های زنگوله‌پا گیر می‌کند با بیت:

باغ هلو که ساکنه همیشه
پر از صدای حرف و خنده می‌شه

به وجود عنصر انسان نیز پی می‌بریم. این شعر با بهره‌گیری از عناصر طبیعت، حیوانات و انسان، شکل روایی شعر، تصاویر زیبا و در نهایت کشف شاعرانه بسیار زیبایی خود، یکی از بهترین نمونه‌های شعر مناسب کودکان است. از دیگر شعرهای این مجموعه که تا حدودی، البته نه به قوت دو شعری که ذکرشان شد، از کشف شاعرانه بهره برده‌اند، می‌توان از «پروانه و گل» سروده «افشین علاء» و «توپ آسمون» سروده رودابه حمزه‌ای نام برد که البته شعر «توپ آسمون» نیز از شعرهای خوب این مجموعه است.

طبیعت، حیوانات، انسان

به منظور طولانی نشدن کلام در مجموع و به طور اختصار، به عناصر «طبیعت»، «حیوانات» و «انسان» در این مجموعه نظر می‌افکنیم. حدود دوازده شعر از مجموع بیست

«زنگوله پا» سروده «افسانه شعبان‌نژاد»
و «کفش» سروده «مهری ماهوتی»
بهترین نمونه‌های رسیدن به کشفی شاعرانه
و ایجاد ارتباطی لطیف با جهان کودکان
در پس واژه‌ها و تصاویر بسیار زیبا هستند



حدود دوازده شعر از مجموع بیست و نه شعر
این مجموعه درباره حیوانات است.
«گنجشک»، «پروانه»، «ماهی»، «کلاغ»، «بلیبل»،
«موش»، «گاو»، «بز»، «حلزون» و...
از جمله حیواناتی هستند
که در شعرهای این مجموعه سهیم هستند

از نظر معنا بعد از «صابون» باید ویرگول قرار بگیرد
 که شعر دچار دست‌انداز می‌شود
 و اگر به «صابون» کسره بدهیم
 شعر از نظر معنا دچار مشکل می‌شود



شعرهای کودک و نوجوان متأسفانه بیش‌تر
 به توصیف‌های ساده و بیش‌تر هم درباره طبیعت
 محدود می‌شود
 شاعران این‌گونه شعرها، مخاطب خود
 و یا دُر واقع خود را دست‌کم می‌گیرند

و نه شعر این مجموعه درباره حیوانات است. «گنجشک»، «پروانه»، «ماهی»، «کلاغ»، «بیلبل»، «موش»، «گاو»، «بیز»، «حلزون» و... از جمله حیواناتی هستند که در شعرهای این مجموعه سهیم هستند. که این خوشبختانه نشان‌دهنده وسعت دید شاعران و شاید گردآورنده مجموعه است که در این میان شعرهای «زنگوله‌پا»، «پروانه و باران»، «یک دانه گردو»، «کیوتو سفید» و... از شعرهای خوب این مجموعه هستند که در آن‌ها از عنصر حیوان استفاده مطلوب شده است. برخلاف شعرهایی که درباره حیوانات هستند، شعرهایی که درباره طبیعت هستند را نمی‌توان به راحتی در این مجموعه متمایز کرد. «درخت توت» و «پاییز» از مغلوط شعرهای این مجموعه هستند که صرفاً درباره طبیعت سروده شده‌اند اگر در شعر «درخت توت» نیز نشانی از پرندها می‌بینیم، در واقع عناصر طبیعت و حیوانات، در این مجموعه در هم تنیده‌اند و جدایی و مرزبندی بین آن‌ها به راحتی امکان‌پذیر نمی‌باشد. اما مختصر می‌توان اشاره کرد که در بخش طبیعت به تصاویر، تعابیر و شعرهای قابل توجهی برنمی‌خوریم.

در این مجموعه به جز شعرهایی که مثلاً درباره بادبادک و عروسک هستند، بقیه شعرها از عناصر طبیعت، حیوانات و انسان استفاده کرده‌اند که عنصر انسان تقریباً در همه شعرها به نوعی مورد استفاده قرار گرفته است و گاه در مواردی با دیگر عناصر به هم آمیخته‌اند. «مادربزرگ»، «رفتنگر»، «پدربزرگ، مادربزرگ»، «چوپان»، «محمودآقا»، «خانم پرستار»، «گنج من»... از جمله شعرهایی هستند که از عناوین آن‌ها مشخص است، بیش‌ترین تأکید آن‌ها بر عنصر انسان در این مجموعه بوده است. در این میان چهارپایه «گنج من» سروده ناصر کشاورز از دیگر شعرها یک سر و گردن بالاتر ایستاده است.

«گنج من» در پنج بند قصه پسری است که... بهتر است یک بار شعر را مرور کنیم:

«گنج من»

من چیزهای جالبی
 در کوچه پیدا می‌کنم
 این چیزها را چیده‌ام
 در جعبه‌ای، پهلوی هم

هر دانه‌اش را شستم
 با آب و صابون تمیز
 از دانه‌ی تسیخ هست
 تا دکمه‌های گرد و ریز

یک قصه دارد هر کدام
 در زندگی با صاحبش
 سرگرم هستم در خیال

با قصه‌های جالبش

در جعبه‌ی من دکمه‌ای است
 گرد و طلایی، زرد زرد
 گفتم به بابا: «این طلاست»
 بابا ولی باور نکرد

آن را نگاهی کرد و گفت:
 «این آشغال از آهن است»
 ای کاش می‌فهمید او
 این چیزها گنج من است.

«ناصر کشاورز»

همانطور که مشخص است این شعر علاوه بر این که برای کودک است، درباره او نیز هست. این شعر نقیبی به دنیای کودکانه کودکی می‌زند که گنج‌هایش، در واقع دور ریخته‌های آدم بزرگ‌هاست. و این آدم بزرگ‌ها یا این که خود روزی از گنج‌های او استفاده می‌کرده‌اند، امروز که دیگر آن چیزها را دور ریخته‌اند، نمی‌توانند در دنیای کودکانه او قدم بزنند و ارزش گنج‌های او را درک کنند. این شعر به نحوی بسیار شایسته که حتی می‌توان آن را سمبلیک نیز فرض کرد، وارد دنیای کودکانه کودک و جهان پیرامونش می‌شود و با نشان دادن و به تصویر کشیدن یکی از مانوس‌ترین مواردی که درباره بسیاری از کودکان قابل مشاهده است دنیای کودکانه آن‌ها و تفاوت آن با دنیای آدم بزرگ‌ها را به نمایش می‌گذارد. این شعر بی‌هیچ تردیدی یکی از بهترین شعرهای این مجموعه است که نشان‌دهنده تیزبینی و تعهد شاعر نسبت به کودک است و همچنین از هوشمندی گردآورنده مجموعه حکایت می‌کند.

درباره این مجموعه اگرچه بیش از آن چه که به قلم گذشت، می‌توان مطلب نوشت اما با اشاره‌ای دیگر به ارزشمندی گردآوری مجموعه‌ای از این دست که امید است روزبه‌روز دقیق‌تر شود، اشاره‌ای مختصر به تصویرگری کتاب‌ها خواهیم داشت و بحث را به پایان می‌بریم. به نظر می‌رسد تصویرگری این مجموعه از گردآوری آن موفق‌تر بوده است. در نگاهی غیرتخصصی و با توجه به کودکانموندن مجموعه تصاویر شاد و مناسب به نظر می‌رسند. تصاویر با شعرهای مربوطه، به خوبی هماهنگ هستند. به عنوان مثال، تصاویر شعرهای «کفش»، «رفتنگر»، «زنگوله‌پا»، «گنج من»، «خانم پرستار»، «توپ آسمون»، «بادبادک و کلاغ»... به خوبی از عهده هماهنگی با شعرها برآمده‌اند. رنگ‌های متنوع و فانتزی که به طور مثال کلاغ را در تصویر شعر «تابستون» به رنگ آبی ترسیم کرده است، به نزدیکی با دنیای شاد، کودکانه و خیالی کودکان کمک می‌کند.